

رفیق سرخی در پیام خصوصی سؤال نموده است که:

چرا باوجود اینکه نظام جمهوری اسلامی سال‌هاست نفس‌هایش به شماره افتاده اما همچنان سرپا هست؟
و سرنگون نشده است؟

رژیم جمهوری اسلامی دیرزمانی است که نفس‌هایش به شمارش افتاده، اما چند فاکتور مهم مرتبط باهم است که این حکومت تاکنون سرپا مانده است. چه عواملی باعث گشته است که این رژیم پوسیده کماکان سرپا باشد؟

۱- یکی از عواملی که جمهوری اسلامی توانسته است خود را سرپا نگه دارد. اعدام جوانان انقلابی که در قبل و بعد از انقلاب ۱۳۵۷ نقش به‌سزایی در صحنه مبارزه طبقاتی ۵۷ به بعد داشته‌اند، در دهه ۶۰ شمسی هست. رژیم جمهوری اسلامی با اعدام هزاران هزار نفر از انقلابیون چه انقلابیون غیر کمونیست و چه انقلابیون کمونیست دیکتاتوری سیاهی را در جای‌جای ایران گستراند. و هرگونه ندای دگراندیشی را در جامعه حذف نمود. ضدانقلاب را در قالب نظام پلیسی مذهبی به سود اوامر خدا و نهادینه کردن توهمات مذهبی تثبیت نمود. ماشین اعدام و رعب و ترس و زندان و شکنجه این رژیم دین سالار از سال ۱۳۵۷ تاکنون هرگز متوقف نشده است. برای همین به‌عنوان یک نکته‌ی کناری انقلابیون باید از علنی‌گرایی و استفاده از اسم و عکس خویش در دنیای مجازی بپرهیزند و گراد خویش را به‌آسانی و دودستی تقدیم به سازمان امنیت این حکومت ضد بشری نمایند... چون علنی‌گرایی و شناخت یکدیگر در آن فضای نیمه‌آزادی یکی از عواملی بود که بسیاری از نسل قبل را طعمه‌ی سازمان امنیت نمود!

۲- نبود حزب پیش‌تاز کمونیست انقلابی که قلب مردم را تسخیر کرده باشد و دارای پایه وسیعی در مردم باشد.

این‌یک عامل ذهنی مهم و حیاتی برای ارتقاء سطح آگاهی سیاسی زحمتکشان رنج‌دیده و تحت ستم و استثمار است.

در نبود چنین ستادی شناخت و آگاهی زحمتکشان آلوده به توهمات مذهبی و بورژوازی هست.

۳- شرایط یا وضعیت انقلابی چیست و چرا هنوز چنین وضعیتی در ایران وجود ندارد که انقلابی مانند انقلاب ۵۷ (اما نه صرفاً با همان نتیجه!) در ایران به وقوع بپیوندد و جمهوری اسلامی به دست توده‌های رنج‌بر سرنگون شود.

رفیق باب آواکیان با اساس یک درک ماتریالیسم دیالکتیکی و جمع‌بندی از تجارب جنبش کمونیستی از زمان کمون پاریس تاکنون شرایط یا وضعیت انقلابی را چنین شرح می‌دهد:

باب آواکیان به یک معنای واقعی سنتز نوینی از "وضعیت انقلابی" بر مبنای تجربه و آموزش‌های

مارکس و لنین و مائو و در کل بر مبنای تجارب شکست و پیروزی موج انقلابات کمونیستی قرن بیستم ارائه داده است.

رفیق آواکیان به ۵ نکته اساسی مرتبط باهم و تنیده شده در هم که باید فراهم شود تا شرایط انقلابی را به وجود آورد، اشاره می‌کند.

او بر مبنای رویکرد و متدولوژی علمی ماتریالیسم دیالکتیک درک غیر اکونومیستی و واقعا کمونیستی را برای به وجود آمدن شرایط انقلابی در جامعه که باید توسط حزب پیشتاز و یک هسته مستحکم که توسط هزاران نفر در بین مردم تحت ستم و استثمار ریشه‌های عمیقی دوانده است و میلیون‌ها نفر از توده‌های تحت ستم و استثمار را برای هدف به وجود آوردن جامعه نوین و لغو ستم و استثمار متحد می‌کند، درک عمیق‌تری برای رهبری و به پیروزی رساندن انقلاب کمونیستی به‌توسط حزب پیشتاز طبقه کارگر را در اختیار کمونیست‌های انقلابی قرار می‌دهد. انشقاق و تضاد لاینحل در میان جناح‌های مختلف حکومت‌کنندگان و اینکه دیگر قادر نیستند اختلافاتشان به خاطر استمرار حیات ضد بشری نظامشان حل کنند و در این زمینه قادر به کنترل اوضاع نیستند و به یک‌کلام دیگر نمی‌توانند مردم را تحمیق بکنند و از آستینشان یک سیاست که مورد توافق تمامی جناح‌های حکومتی باشد به مرحله اجرا بگذارند. در عین حال و در کنار عمیق‌تر گشتن روزافزون تضاد در میان حکومت‌کنندگان، اما در پایین حکومت شوندگان نیز دیگر نمی‌خواهند و نمی‌توانند و مصمم گشته‌اند که تحت چنان نظامی و سیاست‌هایش زندگی کنند؛ به دنبال یک آلترناتیو رادیکال برای ساختن جامعه و تغییر رادیکال می‌باشند و حاضرند با دادن هزینه و فدا کردن جانشان تومار حکومت‌کنندگان را ببندند و حکومت را سرنگون سازند، ماشین دولتی را خردوخمیر کرده و به زباله‌دان تاریخ بفرستند. اما برای اینکه نتیجه و فرجام وضعیت انقلابی به آنچه در سال ۱۳۵۷ کشانده شد و ضدانقلاب و یک ارتجاع ناشناخته و فریب‌دهنده‌ی بورژوازی همچون جمهوری اسلامی نتایج فداکاری‌ها و جان‌فشانی‌های میلیون‌ها نفر از رنج‌دیدگان و زحمتکش‌ها را غصب ننماید حتماً ضروری است که یک هسته مستحکم رهبری کننده با انعطاف‌پذیری زیاد برای رهبری چنان بحران عمیق سیاسی وجود داشته باشد. چنان هسته مستحکمی همان حزب کمونیست انقلابی ایران است که باید مبارزات توده‌های تحت ستم و استثمار را با تکیه به تجربه انقلابی جهانی و گذشته مبارزات و تلاش‌های پیروزمندانه و همچنین شکست‌خورده را چراغ راه آینده نماید و قطار سرخ انقلاب ایران را به سرمنزل مقصود رساند.

کمونیسم دروغین و فرمیسم مرده است، زنده باد کمونیسم راستین علم رهاییبخش طبقه رنج‌دیده ستمکش و استثمارشونده!

زنده باد انقلاب کمونیستی
دروود بر پرولتاریای انقلابی

برهان عظیمی - ۲۰ دی ماه ۱۳۹۴

متن زیر صحبت های رفیق آواکیان در مورد شرایط انقلابی می باشد:

وضعیت انقلابی چیست ؟ باب آواکیان صدر حزب کمونیست انقلابی آمریکا

۹ فوریه، ۲۰۱۵

وضعیت انقلابی چیست؟

یک بحران عمیق و اختلافات (تضاد) شدت یابنده در جامعه و در دولت و محافل حکومتی (جناح های مختلف تشکیل دهنده دولت-م)، که حاکمان قادر نیستند و نمی توانند راهی برای حل آن اختلافات در جامعه و در میان صفوف خویش که وضعیتشان را بدتر نکند و مقاومت بیشتر و بیشتر مردم را در برداشته باشد، را پیدا کنند. و اعتقاد و ایمان مردم به "حق حکومت کردن" و "مشروعیت" برای حفظ حکومتشان در استفاده از زور و خشونت تضعیف می شود.

شرایط انقلابی که به موجب آن کلیه برنامه های "اصلاح" (رفرم) نظام عملاً ورشکستگی را به همراه خواهد داشت و دیگر قادر به مقابله با تعداد بی شمار از مردمی نیستند که تشخیص داده اند کلیت نظم موجود کارایی ندارد و بانی بی عدالتی غیر قابل تحملی است.

آن هایی که در جامعه و همچنین در میان طبقه حاکمان تلاش دارند نظام موجود را همچنان به پیش ببرند حتی اگر از شلاق استفاده کنند اما، در سیاست تدافعی قرار دادند.

میلیون ها نفر از مردم به طور جدی به دنبال تغییر رادیکال اند، مصمم به مبارزه برای آن اند، مایل اند که همه چیز حتی جانشان را برای پیروز شدن به خطر اندازند و در جستجوی یک نیرو برای هدایتشان و به انجام رساندن چنان کاری می باشند.

و یک هسته مستحکم از هزاران نفر در اطراف یک رهبری متحد می شوند، یک نیروی پیشتاز سازمان یافته (متشکل-م) مسلح به چشم انداز و رویکرد، استراتژی و طرح که روابطش را در میان توده های متحد مردم تعمیق می بخشد، مبارزه را واقعاً برای شکست و از بین بردن نیروی سرکوبگر خشونت آمیز موجود نظام و ساختار قدرتش را رهبری می نماید و یک نظام نوین انقلابی را به وجود آورد که می تواند ابزار متحول کردن رادیکال جامعه را به سمت هدف لغو ستم و استثمار در اختیار مردم گذارد تا جامعه را به طور رادیکالی متحول سازد.

نوشته شده توسط باب آواکیان صدر حزب کمونیست انقلابی آمریکا

۹ فوریه ۲۰۱۵ - نشریه انقلاب

ترجمه توسط: برهان عظیمی

۲۸ بهمن ۱۳۹۳



انقلاب، بدون یک بحران ملی عمومی که هم... " استعمارشوندگان و هم استثمارگران را در بر گیرد غیر ممکن است. در نتیجه، برای پیروزی انقلاب باید کوشید که اولاً اکثریت کارگران آگاه، متفکر و از لحاظ سیاسی فعال، به طور کامل به ضرورت انقلاب پی ببرند و آماده باشند در راه آن جان ببازند، ثانیاً، طبقات حاکمه به آنچنان بحران دولتی دچار شده باشند که حتی عقب مانده ترین توده ها را نیز به سیاست جلب نمایند. نشانه ی هر انقلاب واقعی آن است که عده ی نمایندگان قادر به مبارزه ی سیاسی در بین توده ی زحمتکش و ستمکشی که تا آن زمان در بیحالی به سر می بردند، به سرعت ده برابر و یا حتی صد برابر شود و دولت را تضعیف نماید و "سرنگونی سریع آن را برای انقلابیون ممکن گرداند"

نقل از لنین "در مورد اضاع یا وضعیت انقلابی"